

۱۹۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه داستان‌های کوتاه شاهکار

(۱۱)

داستان کوتاه شرط‌بندی و چهار داستان کوتاه دیگر

نوشته آنتوان چخوف

ترجمه: تیمور قادری

شابک

: ۹۷۸۶۰۰۱۵۱۰۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۳۴۷۴۲۲

عنوان و نام پدیدآور

: داستان کوتاه یک پرس‌وجو و دوازده داستان کوتاه دیگر/نوشته
آنتوان چخوف؛ ترجمه و گردآوری تیمور قادری.

مشخصات نشر

: تهران: مهتاب، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۱۹ص.

فروفت

: مجموع داستان‌های کوتاه شاهکار؛ ۲۳.

یادداشت

: کتاب حاضر گردآوری و ترجمه از آثار مختلف «آنتوان چخوف»
است.

موضوع

: داستان‌های کوتاه روسی -- قرن ۱۹م.

موضوع

: Short stories, Russia, 19th century

رده بندی دیویی

۱۸۹۱/۷۳۳

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۷ ۱۲۱ ۵۶۳۴۰ ج

سرشناسه

: چخوف، آنتون پاولوویچ، ۱۸۶۰ - ۱۹۰۴م.

Pavlovich Chekhov, Anton

شناسه افزوده

: قادری، تیمور، ۱۳۹۷ - گردآورنده، مترجم

وضعیت فهرست نویسی

: فیپا

نام کتاب: داستان کوتاه شرط بندی و چهار داستان کوتاه دیگر

نویسنده: آنتوان چخوف

گردآوری و ترجمه: دکتر تیمور قادری

ناشر: مهتاب

نوبت چاپ: اول - ۹۸

شابک ۹-۶۴-۰۱۵۱-۶۰۰-۹۷۸

تیراژ: ۱۰ نسخه

قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه و مترجم	۵
۱. شرح بندی	۱۹
۳. هنگام رسیدن	۳۱
۴. مرگ یک کارمند دولت	۳۹
۵. مجرم	۴۴
۶. دانشجو	۵۱
۷. شب عید پاک	۵۸

مقدمه مترجم

در این شماره و همینطور در شماره‌های بعدی این مجموعه؛ شماری از داستان‌های کوتاه آنتوان چخوف خواهد آمد. وی که یک پزشک روسی بود؛ در ۱۹ ژانویه ۱۸۶۰ چشم به جهان گشود؛ و در ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۴ هم چشم از جهان فرو بست. چنین مقدر بود که وی در طول عمر کوتاه خود به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان و همینطور یکی از مشهورترین نگارندگان داستان‌های کوتاه؛ نامی ماندگار را برای خود در این جهان رقم بزند. آنتوان چخوف در طول فعالیت ادبی خود؛ همواره به یک پزشک امرار معاش نمود و این جملد معروف او زبانزد است که، "طب همسر قانونی من است؛ و ادبیات هم محبوب من".

مضمون اصلی در آثار او؛ دانش، فهم و جمال آدمی است. در روزگار او؛ که حکومت تزاری واپسین سال‌های خود را سپری می‌کرد؛ اوضاع آشفته‌ای در جامعه روسی زبان حاکم بوده است؛ بی‌عدالتی؛ تاراج برای کسب ثروت آن هم از هر طریق ممکن مشروع و نامشروع؛ بی‌علاقگی به کتب علم و فرهنگ؛ فساد اخلاق، فاصله وحشتناک طبقاتی، نظام فاسد ادارات و سیاست به دست شدن پُست‌های دولتی از طریق زد و بندهای پشت پرده؛ حقارت فرهیختگان، از جمله نگارندگان آثار ادبی؛ فروپاشی نظام خانوادگی، رواج بی‌بند و باری، و هرزگی؛ افزایش بی‌حد و حصر کودکان فقیر و بی‌پناه، تضادهای روزافزون میان فقیر و غنی؛ افزایش جنایت و آدم‌کشی و... کم نیستند بزرگ نگارندگان ادبی روسیه، که در این دوران آشفته از حیات این کشور، روزگار گذرانیده‌اند. لئون تولستوی، فیودور داستایوسکی، ماکسیم گورکی، تورگنوف،

پوشکین، همگی در خلق آثار خود تحت تأثیر همین اوضاع آشفته اجتماعی بوده‌اند؛ در عین اینکه همگی نیز کوشیده‌اند تا با خلق آثار ادبی کوتاه و بلند خود؛ این اوضاع را به نمایش درآورند.

آنتوان چخوف، در این عرصه از تاریخ روسیه؛ درد فرهیختگی و دانش‌اندوزی دارد؛ و از اینکه مردم در آن سرزمین بی‌اعتناء از کنار این اصل حیاتی و تن‌ساز می‌گذرند؛ رنج می‌برد.

در داستان که "دشمنان"، که در شماره‌های پیشین آمده؛ دو طبقه و بهتر بگوئیم دو مایند از دو طبقه اجتماعی؛ نقش‌آفرینی می‌کنند؛ یعنی یک پزشک، که از غم و رنج و زندگی سر در گریبان فرو برده؛ و جوانی ثروتمند و متمول؛ که فریب‌خرده و همسرش با دیگری پا به فرار گذارده است.

گفتگوی میان این دو شخصیت؛ پنده از فاصله طبقاتی و تضاد فزاینده میان فقیر و غنی، برمی‌دارد. پزشک با غم از رنج و دست‌رفته‌اش در این جامعه تنه‌است و بی‌کس؛ و آن جوان ثروتمند سر در گریبان؛ پریشان از این امر که همسرش، با دل سپردن به دیگری و در نهایت با وصل به نیرنگ، با او به مکانی نامعلوم می‌گریزد، جوانی که اصلاً در حدی با این پزشک نیست؛ و در کل به خود و زندگی خود می‌اندیشد.

در داستان کوتاه "یک اتفاق ساده"؛ زندگی یک نظامی منسبت و فره‌کوفته به رشته تحریر درمی‌آید؛ نظامی که حسن ظاهر ندارد و در میان جمع هم دیده نمی‌شود؛ کسی او را به حساب نمی‌آورد؛ و به بازی‌اش نمی‌گیرد؛ کسی که یک اتفاق ساده؛ او را به وجد آورده و مدت‌ها مشغول‌اش می‌سازد؛ در یک راهروی تاریک، کسی به اشتباه به گونه او بوسه می‌زند؛ و این اتفاق او را برای مدتی به خودش مشغول می‌کند؛ و دلگرم حتی از اینکه به غلط مورد توجه قرار گرفته است. این درجه‌دار روسی هم به نوعی تنه‌است و بی‌پناه و منزوی؛

کسی که هیچ افق روشنی در مقابل خود نمی‌بیند. زنان عصر او، یا مردان آراسته را می‌پسندند و یا مردانی را که پول و ثروت فراوان دارند؛ که دیگر در اینجا، آراستگی ظاهری هم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

و در داستان کوتاه شرط‌بندی؛ کسی که زندان طویل‌المدت را به اعدام ترجیح داده؛ و در نهایت هم شرط را می‌برد؛ چرا که در طول پانزده سالی که به زندان می‌رود؛ موفق می‌شود با آسودگی چند صد کتاب را مطالعه کرده و به فراخی اندیشه دست یابد؛ و بالاخره در داستان کوتاه بخش بیمارستانی شماره ۶-، بالاخره رتر بخش بعد از سالیان دراز؛ به بیماری بر می‌خورد؛ که می‌تواند با او گفت‌وگو داشته نماید؛ امری که او را سرانجام به آرزوی دیرینه‌اش می‌رساند. که دردی دردی علاجش آتش است.

در جامعه آشفته اواخر دوران ۱۳۰۲؛ فرهیختگی و تعامل اندیشمندان در میان توده‌های مردم؛ کم خریدارین مایع باران است؛ جامعه‌ای که بالاخره با وقوع انقلاب بلشویکی، به پایان کار خود رسید؛ و عصر دیگری در آن شکل گرفت.

تولستوی، چخوف، داستایوسکی، آن قدر زنده نمادند؛ تا پایان کار این اوضاع آشفته را ببینند؛ اما با توصیف ادیبانه‌ای که آن‌ها از این اوضاع به عمل آوردند؛ فروپاشی را در آن نوید دادند.

با این همه؛ در این جامعه بهم ریخته اواخر عصر تزاری؛ بهترین و بزرگ‌ترین آثار ادبی، اعم از نمایشنامه، رمان؛ و داستان کوتاه؛ شکل گرفت. تزاری که مرزهای روسیه را در نور دیدند؛ و به دیگر کشورهای جهان نیز راه پیدا کردند؛ نتیجه هم آن شد؛ که این آثار به زبان‌های رایج، از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی و... ترجمه و تفسیر گشتند و ماندگاری یافتند؛ که داستان‌های کوتاه و همین‌طور نمایشنامه‌های آنتوان چخوف از آن جمله‌اند.